

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همانطوری که در مسئله رؤیت هلال در بین فقهای امامیه دو قول وجود دارد در میان عامه هم مطلب به همین ترتیب می باشد، یکدسته از فقهای ما قائلند به اینکه اگر در یک نقطه ای رؤیت هلال تحقق پیدا کند فقط برای کسانی که با آن نقطه هم افق هستند هلال ماه ثابت است و اول ماه می باشد و برای بلادی که نسبت به آن بلد دورتر هستند و با آن هم افق نیستند اول ماه و هلال ثابت نمی باشد و هرکجا که ماه ثابت نیست باید ماه قبل را ۳۰ روز حساب کنند. دسته دیگری از فقهای ما قائلند به این که مسئله هلال ماه یک امر سماوی است که یک واقع محفوظی دارد یعنی همین که ماه متشکل به شکل هلال شد اول ماه برای تمام افرادی که در کره زمین ساکن هستند ثابت می باشد و دیگر وحدت افق و اختلاف افق تأثیری ندارد. عرض کردیم که در میان عامه هم این دو قول وجود دارد، ابن غدامه در کتاب المغنی ج ۳ ص ۷ این دو قول را نقل می کند: **وَإِذَا رَأَى الْهَلَالَ أَهْلُ بَلَدٍ لَزِمَ جَمِيعَ الْبِلَادِ الصُّومَ وَهَذَا قَوْلُ اللَّيْثِ وَبَعْضُ أَصْحَابِ الشَّافِعِيِّ، وَ قَالَ بَعْضُ إِنْ كَانَ بَيْنَ الْبَلَدَيْنِ مَسَافَةٌ قَرِيبَةً لَا تَخْتَلِفُ الْمَطَالِعَ لِأَجْلِهَا كَبَغْدَادِ وَالْبَصْرَةِ لَزِمَ أَهْلُهُمُ الصُّومَ فِي رُؤْيَا الْهَلَالَ فِي أَحَدَاهُمَا وَ إِنْ كَانَ بَيْنَهُمَا بَعْدَ كَالْعِرَاقِ وَالْحِجَازِ وَالشَّامِ فَلِكُلِّ أَهْلٍ بَلَدٍ رُؤْيَتُهُمْ.** تا اینجا دو قول را ابن غدامه ذکر کرد ولی خودش قول اول را اختیار می کند، **لَنَا قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمْ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ** (بقره ۱۸۵) : کسی که ماه رمضان را درک کرد روزه بگیرد، **أَجْمَعَ الْمُسْلِمُونَ عَلَيَّ وَجُوبَ صَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ قَدْ ثَبَتَ أَنَّ هَذَا الْيَوْمَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ بِشَهَادَةِ فَوْجٍ صَوْمِهِ عَلَيَّ جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ وَ لَعَلَّ شَهْرَ رَمَضَانَ مَا بَيْنَ هَلَالَيْنِ وَ قَدْ ثَبَتَ أَنَّ هَذَا الْيَوْمَ**

منه. در ج ۴ ص ۹۸ از کتاب فتح الباری فی شرح صحیح البخاری لأب الفضل شهاب الدین عسقلانی هم این دو قول نقل شده که : **اختلف العلماء در این که اگر در یک نقطه ای ماه دیده شد اول ماه به همان نقطه اختصاص دارد یا برای جمیع بلاد اول ماه ثابت است.** پس همانطور که در بین ما مسئله اختلافی است و ذات قولین می باشد در بین جمهور هم به این صورت می باشد. حالا بعد از اینکه معلوم شد مسئله هلال هم در بین ما و هم در بین عامه ذات قولین می باشد و هر دو قول را هم ذکر کردیم باید برویم سراغ أدله اقوال ، گفتم اول کسی که این مسئله اختلاف افق را در میان ما مطرح کرده شیخ طوسی می باشد و بعد از ایشان علمای ما دو دسته شدند ، عده ای از شیخ تبعیت کردند و قائل به اعتبار وحدت افق شدند و عده ای هم از ایشان تبعیت نکردند و قائل به عدم اعتبار وحدت افق شدند. برای اینکه أدله طرفین برای ما روشن بشود ابتدا عبارات علامه در تذکره را می خوانیم ، علامه در ج ۶ تذکره ص ۱۲۲ مسئله ۷۶ از کتاب صوم گفته اند که: **إِذَا رَأَى الْهَلَالَ أَهْلُ بَلَدٍ فَلَئِنْ بَلَغَ آخِرَ فَنِ تَقَارَبَتِ الْبِلَادَانِ كَالْبَغْدَادِ وَالْكُوفَةِ كَانَ حُكْمُهُمَا وَاحِدًا يَجِبُ الصُّومُ عَلَيْهِمَا مَعًا وَ كَذَا الْإِفْطَارُ وَ إِنْ تَبَاعَدَا كَبَغْدَادِ وَ خِرَاسَانَ وَ الْحِجَازَ وَ الْعِرَاقَ وَ لِكُلِّ بَلَدٍ حُكْمٌ نَفْسُهُ وَ قَالَ الشَّيْخُ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ هُوَ الْمَعْتَمَدُ وَ بِهِ قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ وَ قَوْلُ بَعْضِ الشَّافِعِيِّهِ وَ مَذْهَبُ الْقَاسِمِ وَ سَالِمِ وَ اسْحَاقٍ لَمَّا رَوَاهُ كَرِيبٌ...إِلَى آخِرِهِ وَ لِأَنَّ الْبِلَادَانَ الْمَتَبَاعِدَةَ تَخْتَلِفُ فِي الرُّؤْيَا بِإِخْتِلَافِ الْمَطَالِعِ وَ الْأَرْضِ كَرَّةً ، فَجَازَ أَنْ يَرَى الْهَلَالَ فِي بَلَدٍ وَ لَا يَظْهَرُ فِي آخَرٍ ، لِأَنَّ حُدُوبَ الْأَرْضِ مَانِعَةٌ مِنْ رُؤْيَتِهِ وَ قَدْ رُصِدَ ذَلِكَ أَهْلَ الْمَعْرِفَةِ وَ شَوَّهَدَ بِالْعِيَانِ خَفَاءَ بَعْضِ الْكَوَاكِبِ الْقَرِيبَةِ لِمَنْ جَدَّ فِي السَّيْرِ نَحْوَ الْمَشْرِقِ وَ بِالْعَكْسِ : حُدُوبَةُ يَعْنِي مُحَدَّبٌ بَوْدُنٌ ، زَمِينٌ جَوْنٌ كَرُوعِيٌّ اسْتِ فَلَذَا مُحَدَّبٌ اسْتِ يَعْنِي پَسْتِي وَ بِلَنْدِي دَارِدٌ ، كَلَّا سَطْحٌ زَمِينٌ رَا بَه سَه قَسْمَتٌ تَقْسِيمٌ مِي كَنْدٌ مُحَدَّبٌ وَ مَقْعَدٌ وَ مَسَطْحٌ ، آن جایی که هموار و صاف است می**

شد اما چنین چیزی در روایات وجود ندارد ، اصلاً امکان رؤیت برای کل بلاد ممکن نیست فلذا امکان و جواز ، موضوع حکم نیست بلکه موضوع حکم خود رؤیت است چه خودتان ببینید و یا اینکه کسی که دیده شهادت به رؤیت بدهد . یک مطلبی در اینجا هست که بعداً معلوم می شود و آن اینکه ما ، ماه را در بلد خودمان هنگام شب دیده ایم ولی مثلاً در امریکا روز است ، یعنی شب ما روز آنهاست پس وقتی که ما شب قدر می گیریم همان موقع در امریکا روز است ، فلذا در این صورت آیا مردم امریکا شب قدر ندارند؟ بعداً عرض می کنیم که آیه الله خوئی وعده ای تمسک کرده اند به همین مطالب و می گویند: هذا اليوم الذی جعلته للمسلمین عیداً و یا شبهای قدر و .... اینها یکبار بیشتر اتفاق نمی افتند یعنی یک روز برای کل مسلمین روی کره زمین عید است و همچنین شبهای قدر. ما در اینجا عرض می کنیم که احکام در این جاها بر عناوین کلی مترتب است نه بر فرد جزئی خاص ، مثلاً وقت سحر و یا اول وقت برای نماز بسیار پر فضیلت هستند اما سحر و اول وقت ما با مشهد متفاوت است ، فلذا عنوان کلی فضیلت دارد و ثواب هم متعلق به همان عنوان کلی می باشد که آن عنوان کلی هم مصادیق متعددی دارد. بنابراین فکر کنید که آیا می توان گفت که شبهای قدر و یا اعیاد و امثال اینها یک عنوان کلی هستند که دارای مصادیق متعددی می باشند یا نه ؟ که إن شاء الله بعداً در این باره بحث خواهیم کرد. ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

گویند مسطح و به آنجایی که برجستگی دارد محدب و به آنجایی که فرورفتگی دارد مقعد می گویند. علامه در اینجا استدلال می کند به محدب بودن زمین ، یعنی اگر زمین صاف و هموار بود در اینصورت همه می توانستند ماه را ببینند ولی چون زمین پستی و بلندی دارد و کروی می باشد فلذا فقط آن جاهایی که مرتفع هستند می توانند ماه را ببینند ، پس دلیل عمده علامه حلی و موافقین این قول آن است که آنها زمین را کروی می دانند فلذا حدبۀ زمین یعنی بلندی و ارتفاع بعضی از مناطق زمین مانع از رؤیت ماه برای همه می شود و فقط کسانی که در قسمت های مرتفع قرار دارند می توانند ماه را ببینند. در ادامه عبارات علامه در تذکره آمده است : وقال بعض الشافعية : حکم البلاد کلها واحد ، متی رئی الهلال فی بلد و حکم بانه اول الشهر ، کان ذلک الحکم ماضياً فی جمیع اقطار الارض ، سواء تباعدت أو تقاربت ، اختلفت مطالعها أولاً. و به قال احمد بن حنبل واللیث بن سعد و بعض علمائنا. لانه یوم من شهر رمضان فی بعض البلاد للرؤية و فی الباقی بالشهادة ، فیجب صومه ، لقومه تعالی : فمن شهد منکم الشهر فلیصمه... إلى آخره ولأن الأرض مسطحة فإذا رئی فی بعض البلاد عرفنا أن المانع فی غیره شیء عارض ، لأن الهلال لیس بمحل الرؤية و منعه کونه یوما من رمضان فی حق الجمیع ، فانه المتنازع ولا نسلم التعبد بمثل هذا الشهادة ، فإنه اول المسألة . پس احمد بن حنبل و بعضی از علماء عامه اختلاف افق را مؤثر نمی دانند ولی ابوحنیفه مؤثر می دانست فلذا عامه هم مثل ما در این مسئله دو قول دارند. (اشکال و جواب استاد) : آیا خود رؤیت موضوع است یا امکان رؤیت موضوع است؟ ما عرض می کنیم که خود رؤیت موضوع است یعنی یا باید خودتان ببینید و یا کسانی که دیده اند شهادت بدهند ، پس موضوع، صم للرؤية و أفطر للرؤية می باشد و اگر امکان رؤیت مد نظر بود باید در روایت به آن اشاره می